

حامدبرادران، آهنگساز و تنظیم کننده موسیقی پاپ کشورمان به زودی باحمودالخير، خواننده مطرح موسیقی عرب ومصطفی جلی، خواننده و آهنگساز اهل ترکیه همکاری می‌کند. حامد برادران از آهنگسازان، خوانندگان و تنظیم‌کنندگان موسیقی پاپ کشورمان به‌زودی، پروژه‌های متعددی را با همراهی تعدادی دیگر از خوانندگان شناخته شده کشورمان و چند هنرمند خارجی انجام خواهد داد. این هنرمند جوان موسیقی پاپ که درعرصه

آهنگسازی هنرمند ایرانی برای خوانندگان عرب و ترک



گفت‌وگو با دکتر محمدرضا سنگری

حلال امور تربیتی

رود، جایی در مدارس مانندارد.
ن‌های فریخته‌ای داریم که از خدمت ین سیستم منشاخیر و خدمتی نبوده‌اند ای‌نمی‌شود. همچنین استفاده‌ازتجارب کارساز و موثر باشد که باز هم در این نظام یریت درست نه فقط هزینه‌ای ندارد که داده‌است.

ت‌که درست و بیجاست، این سؤال پیش یدان دور یعنی همین دهه۶۰و فقط اموری ، یادگار شهیدان رجایی و باهنر، نگاهی ری هستیم، اما چرا همین حداقل ها را هم احتی دور ریخته می‌شود؟ جالب این که کارساز و موثر نباشد که باز هم در این نظام یریت درست نه فقط هزینه‌ای ندارد که داده‌است.

خر دهه۹۰ شاهد طرحی با عنوان «۲۰۳۰» یمین الان هم به عینه مشاهده می‌کنیم. وادام‌های کوچک وکوتوله‌ماموریت‌های ن از پیش روشن است. این اتفاق رخداد س فرهنگ‌ما «ظلم» است، «ظلم» یعنی آنجانیست.

و کسی بخواهد بیاید و ارزیابی کند که در رثش و پرورش، واقعا وزیر آموزش و پرورش

آهنگسازی، تنظیم و رهبری اکستر آثار مختلفی را پیش‌روی مخاطبان قرار داده، به‌زودی باهنرمندان شناخته‌شده‌ای ازجمله حمودالخير، خواننده مطرح موسیقی عرب ومصطفی جلی، خواننده و آهنگساز اهل کشور ترکیه همکاری خود را آغاز خواهد کرد. او در سال‌های اخیر با خوانندگان پرتعدادی چون بابک جهانبخش، فرزاد فرزین، سینا شعبان خانی، محمد علیراده، ناصر زینعلی، احسان خواجه امیری و علیرضا طلیسچی همکاری کرده

و ثمره باشد. مانند همان «طرح کادی» که با آمدنی شروع شد و با رفتنی پایان یافت وهیچکس هم نرسید که چرا شروع شد و چرا چنان در نیمه راه‌ها شد! نکته چهارم و آسیب بعدی این‌که گاهی الگوهایی را از جاهای دیگر می‌گرفتیم، اما این‌که آن را در فرهنگ خودمان جاسازی و بومی کنیم، انجام نمی‌شد. بعد از مدتی هم که این ناسازی را می‌دیدیم زمان و توان و تومان از دست رفته بود و فقط ناکامی نصیب ما بود.

موضوع مهم دیگر هم این است که خودمان را از مشورت با گروه‌های مرجع و اندیشه‌ورز بی‌نیاز می‌دانستیم و اینها به عنوان سرمایه‌های معنوی در وزارتخانه از جمله حذف‌شدگان به حساب می‌آیند. دریا که در این مملکت تجربه‌ها به سادگی و آسانی دور ریخته می‌شوند، یاد رباعی یک معلم خوش ذوق اقدام که پس از بازنشستگی در وصف حال بازنشستگان هم صنف سروده و با لطافت گفته بود: «سی سال ز درس و بحث سستم کردند/ در مدرسه خاک گچ به دستم کردند/ خامی بنگر مدعیان فرهنگ/ چون پخته شدم بازنشستم کردند.»

خاطرهای آموزنده برای تان نقل کنم. برای مطالعه آموزش و پرورش یکی از کشورها رفته بودم. در یکی از مدارس مشاهده کردم که در کلاس باز است و فردی موقر که سن و سالی داشت کلاس را نظاره می‌کرد و برای خودش چیزهایی یادداشت می‌کرد. در مورد این موضوع و دلیل آن سؤال کردم. گفتند ایشان از معلمان بازنشسته همین مدرسه‌است که در هفته چند ساعتی می‌آید و بدون این‌که دخالتی در روند کلاس داشته باشد، نکاتی را بر اساس تجربه زیسته خود یادداشت و در اختیار معلم اصلی کلاس که تازه کارش را آغاز کرده، قرار می‌دهد تا مورد استفاده آن جوان قرار گیرد. واقعا چنین کاری که موجب ارتقای شأن معلم است و با هزینه اندک و مدبریتی گشاده‌قلب می‌تواند عملی شود، به چه میزان سخت است که ما حتی فکرش را هم نمی‌کنیم، چه برسد که بخواهیم آن را اجرا کنیم ولی در تنگنا که قرار می‌گیریم، تشبیه بکل خشیش!

همین فرمایشات شما نشانه خوبی است که این سؤال را بپرسم! در آموزش و پرورش ما با این زیست طولانی که چند سال دیگر قدمتی حدود نیم قرن پیدا می‌کند، افراد فرهیخته زیادی با دغدغه فرهنگ و مدیریت‌های موفق وجود و حضور دارند. در چنین وضعیتی حتی اگر ناگزاردی ساختار و مسائلی از این دست را کنار بگذاری، چرا ما صدا و ندایی از این جمعیت نداریم که به این اشکالات اعتراض کنند! باز هم این پنجره همچنان بازمی‌ماند که ما

دست ناپیدای جریان‌ات نفوذ را در ایجاد چنین وضعیتی ببینیم. چون موضوع ناگزاردی که بدون تعارف در همه نهادها و سازمان‌ها هست، اما موضوع این است که چنین وضعیتی در حوزه فرهنگ، آنچنان آسیب‌زننده است که حتی تصور خسارت‌های آن هولناک است.

نکته مهمی که در کلیت این سؤال باید مورد توجه باشد این است که وقتی این تجربه‌های پیشین قرار است شکل بگیرند و ممدیگر را بیابند، ممکن است بلافاصله با یک اتهام مواجه شوند و بعد هم خیلی سریع منطاشی بشوند که من این تجربه را دارم.

نکته دوم این است که ممکن است هیچ حمایتی از آنان صورت نگیرد و زمانی که طرح و برنامه پیشنه‌های آنان موردنی توجهی و بی‌مهری قرار گیرد، خودبه‌خود که از ادامه این مسیر خودداری کنند.

اما ز لحاظ نگاه به درون و در نظر گرفتن واقعیت‌های آموزش و پرورش «کار بزرگ، علم بزرگ، اراده بزرگ و شجاعت مثال‌زدنی» می‌خواهد.

مشکل در آن کار و اقدامی که شما قصد کردید، همین است که برخی جرات چنین اقدام‌هایی را ندارند. به قول علی معلم، «کدام قدرت یابی پیام خواهد برد؟» پس جرات یابی باید وجود داشته باشد تا بتواند این مشکل ریشه‌ای را که به آن اشاره کردید حل و مرتفع کند و چه بسا بهایی آن را هم ببردازد.

پس ما برای حل چنین مشکلات بزرگ و ریشه‌دار، نیازمند اراده‌ای بزرگ هستیم که ظاهرا غایب است و در غیاب آن در بر همان پاشنه‌ای می‌چرخد که بنایش را گذاشته‌اند. فرقی هم نمی‌کند دهه ۳۰ و ۴۰ یا دهه ۶۰ و ۸۰. البته این راهم اضافه‌کنم که در خصوص آموزش و پرورش اعتقاد من این‌ست که ساختار آن باید فراتر از یک وزارتخانه و مستقیما زیر نظر رهبری هدایت و اداره شود تا بتواند نقشی را که از آن انتظار داریم به‌خوب بگیرد و از خود نشان دهد. وقتی که فردای مادر گرو نقش آفرینی امروز آموزش و پرورش است، حتما جایگاه ستادی آن فراتر از یک وزارتخانه و نهادی مستقل زیر نظر رهبر است تا بتواند چنین جایگاهی را به خود اختصاص دهد. در مورد بحث جریان‌ها هم به نظرم آن جمله معروف مجنون، جمله درستی است. می‌گویند کسی از مجنون پرسید، چگونه از این بیابان بگذرم؟ مجنون گفت: سیل شو تا سنگ‌ها را هم با خودت به دریایرسانای! پس اگر ما بتوانیم جریان‌سازی کنیم، همه این جریاناتی که نام بردید و نبردید، خود به‌خود منضمحل و محو خواهند شد. شکی نیست که این جریان‌ات هستند و بسیار هم با برنامه‌ریزی کامی‌ت‌گانه‌ای اگر بصیر و با بصیرت نباشیم، پنج



است. این آهنگساز و تنظیم‌کننده که اخیرا جایزه بهترین سرپرست اجرای زنده گروه موسیقی پاپ بخش موسیقی و تئاتر تندیس حافظ را هم دریافت کرده به‌تازگی مدیریت هنری فعالیت‌های سینا شعبان خانی را هم به‌عهده گرفته‌است. حامد برادران تاکنون قطعاتی ازجمله ماه‌من، ماه عسل، ماه دوتفر، دلنگت، برگرد، عادت کردم، فقط باش، رفتی پیشم، عکس دوتایی، توجه مغروری و بعد تو را به‌عنوان خواننده، پیش‌روی مخاطبان قرار داده‌است.

سال بعد می‌بینیم اتفاقی رخ داد که آن را در خواب هم پیش‌بینی نمی‌کردیم. به‌عنوان نمونه اگر رهبری در قفسه‌سند ۲۴۰ آن‌گونه روشنگری نمی‌کردند، حالا حالا‌ها کسی متوجه نمی‌شد چه اتفاقی در حال وقوع است و به قول معروف با دست‌خودی‌ها کارشان را پیش می‌برند. چرا جای او دور برویم، آموزش معلمان را در آموزش و پرورش به حدی تقلیل داده‌ایم که می‌توان گفت معلمان را تعطیل کرده‌ایم. ما در سال ۱۳۷۲ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پس از تألیف یک کتاب و به‌خصوص کتب فارسی که حوزه تخصصی و کاری بنده بود، ۱۲۰ ساعت دوره آموزشی برای سرگروه‌های درسی و آنان برای معلمان مرتبط می‌گذاشتند تا معلمان با این کتاب‌ها، ویژگی‌های جدید آن و به‌خصوص روش تدریس این کتب، به‌خصوص کتاب‌های جدیدالتألیف آشنا شوند. این روند این‌گونه‌شد که آن را به ۶۰ ساعت، بعدا به شش ساعت و ظاهرا در نهایت به هیچ ساعت تقلیل دادند و این دوره‌ها را تعطیل کردند.

جنابعالی یک نمونه‌عالی هستید که در جایگاه‌زترالی خصوصیت‌های لازم علمی و حرفه‌ای را دارید. مثلاً در حوزه پژوهش فرهنگ مقاومت و ترویج آن اعتبار و جایگاه ویژه‌ای دارید و جایزه ملی این بخش را به خود اختصاص داده‌اید؛ از سوی دیگر در حوزه‌ات‌نشرات آموزشی سال‌ها و اکنون سردر بی‌مجله رشد زبان و ادب فارسی را برعهده دارید، از این دست مسئولیت‌ها و افتخارات و خدمات در پرورده کاری حرفه‌ای شما فراوان است. با چنین پیشینه‌ای ما به عنوان رسانه یا عضوی از جامعه از شما توقع داریم که پایه اصلی فرهنگ مقاومت و

ترویج و تسریع و توسعه آن در این اسناد مکتوب در وزارت آموزش و پرورش قرص و محکم شده باشد. اما به قول خودتان علی‌رغم صرف آن همه زمان و توان و تومان، هنوز این خانواده‌ها هستند که بار ترویج و توسعه فرهنگ مقاومت را برتربت و تقدیم فرزندان رشید خود پای نهال انقلاب به دوش می‌کشند و ظاهرا ما از خانواده‌هایی که نمایندگی آنان را برای تحقق چنین امری برعهده گرفته‌ایم عقب‌تر هستیم و این جوانان برومند در دوره‌ای پای پرچم انقلاب ایستاده‌اند که اختلاس‌ها رخ داده و فتنه‌ها جامعه را به آشوب کشانده و تشخیص حق و باطل خیلی آسان نیست اما خانواده‌های اصیل و شجاع و مسلمان ایرانی در همین غوغا و هیا هو فرزندان‌ی را تربیت می‌کنند که مدافع حرم و امنیت می‌شوند و همه مدعیان سنتی شهید و شهادت را پشت سر می‌گذارند و برای ایران عزت و افتخار می‌آفرینند. دلیل و

علت این گسست فرهنگی چیست که دستگاهی عظیم و برعائله چون آموزش و پرورش از خانواده‌ها عقب می‌ماند و انگار فاصله این گسست هم روه افزایش و عمیق‌تر شدن است. سخن بجایی می‌فرمایید. یک دلیل ناپسندانی‌های موجود با همان تعبیری که شما به کار بردید، می‌تواند این باشد که تجربه بزرگ و ارزشمند دفاع مقدس را جدی نگرفتیم؛ ضمن این‌که این تجربه را در قلمرو‌های دیگر اساسا به کار نگرفتیم. اگر تجربه انسان‌های بزرگی که آن روزگار دشوار را با سرافرازی از سر گذراندند و هویت این ملت را حفظ کردند، به‌عنوان الگو در آموزش و پرورش و دیگر نهاده‌های دیگر فرهنگی به کار می‌گرفتیم، وضع‌مان ایبی نبود که اکنون هست. من می‌خواهم از همه مخاطبانی که صدایم از این تریبون و رسانه به‌شوش‌شان می‌رسد، خواهش و تقاضا کنم که برگردیم، آن گذشته درخشان را بیابیم و اسوه‌ها، الگو‌ها و شیوه‌های رفتاری آن روزگار را برای نسل امروز، بازسازی، بازشناسی و بازآوری کنیم و آن نشر و توسعه و گسترش دهیم که جز آن مسیر نورانی را در نهایت دیگری نیست و تادیر نشده باید قدر آن گوهر را بدانیم و به آن چنگ زبیم و راه را به تابندگی آن نور طی کنیم. یک حرف و ندای آن نسل طلایی این بود که «نمی‌شود و نمی‌توان» در قاموس کلماتش نبود و اگر ما همین یک جمله را نصب‌العین خود قرار دهیم، کار بزرگی انجام داده‌ایم. یادمان باشد که آن هشت سال را مردم پیش بردند و اگر به دنبال صلاح و راه نجات هستیم نباید این کلید را گم یا پنهان کنیم.

خرسته شدید استاد! من سؤال آخرم را بپرسم و بیش از این وقت از شما نماند! بفرمایید. یکی از نقاط ضعف و تخصص‌های جنابعالی پژوهش در متون دینی و خاصه در زمینه عاشورا و عاشورا پژوهی است. متأسفانه در این زمینه هم شاهد غفلت‌ها و کج‌کارکردی‌هایی هستیم. مثلاً در زمینه خطرات و افسانه‌ای بودن مقتل «روضه‌الشهدا» سخن گفته می‌شود. در حالی‌که این مقتل هنوز هم چاپ می‌شود و مورد رجوع و استفاده‌مدل‌ها و دکتر است. این در حالی است که تا آنجا که من اطلاع دارم در متون آموزشی درسی‌ها کمک آموزشی هیچ مقتلی برای بازخوانی صحیح واقعه عاشورا معرفی نشده است. از نگاه شما بازخوانی متون هستند و یا اصالت متون دینی به‌خصوص مقاتل یا متون روشنگر دیگر در آموزش و پرورش تا چه حد اهمیت دارد و تا چه اندازه به چنین امری اهتمام شده‌است؟

اگر بخواهم مختصر پاسخ دهم، باید بگویم که نیازمند بازخوانی تاریخ و فرهنگ گذشته خودمان و لایه‌ها‌ی فرهنگی گذشته هستیم تا بدانیم که چگونه از آنها

نیازمند بازخوانی تاریخ و فرهنگ گذشته خودمان، و لایه‌های فرهنگی گذشته هستیم تا بدانیم که چگونه آنها برای ساختن امروز خودمان استفاده کنیم

فرهنگ

CULTURE

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۷۳۹

یک تجربه

❧ کودکی که از امروز درگیر مسائل روزمره زندگی شود و با آن رشد کند ثمرات آن را در جوانی، میان‌سال‌ی و حتی بزرگسالی می‌بیند

❧ درآینتگی کودکان امروز با طبیعت، روح و ذهن آنها را جست‌وجوگر می‌کند و آنها را پرسشگر بار می‌آورد و خوب می‌دانیم که انسان‌های بزرگ سؤالات عمیق دارند

❧ خیال و خیال‌پردازی برای رشد و توسعه ذهنی کودک و نوجوان و حتی بزرگسال لازم است و باید در تربیت این اصول را حفظ کنیم و خودمان را با شرایط وفق دهیم

❧ نسل امروز از تجربه زیسته و فضایی برای یادگیری و تمرین زندگی محروم است و تبعات این موضوع گریبانگر خوش و جامعه شده است

❧ در نظام آموزش و پرورش انسان‌های فرهیخته‌ای داریم که از خدمت بازنشسته شده‌اند و متأسفانه از تجارب ارزشمند آنها هیچ استفاده‌ای نمی‌شود

❧ اولین مصیبت ما در امور حاکمیتی در این است که کار‌ها به آدم‌های کوچک سپرده شده است و آسیب‌هایش را به عینه مشاهده می‌کنیم

❧ سیاست‌زدگی نوعی کج‌نگری به مسائل بنیادین است که متأسفانه در جامعه ما وجود دارد و می‌توان گفت کاملاً در مقابل امر خداست

❧ اعتقاد داریم که ساختار آموزش و پرورش باید فراتر از یک وزارتخانه و مستقیما زیر نظر رهبری هدایت شود تا بتواند نقشی را که از آن انتظار داریم به‌خود بگیرد

❧ اگر رهبری در قفسه سند ۲۰۳۰ روشنگری نمی‌کردند، کسی متوجه نمی‌شد چه اتفاقی در حال وقوع است و به قول معروف با دست‌خودی‌ها کارشان را پیش می‌برند

❧ نیازمند بازخوانی تاریخ و فرهنگ گذشته خودمان، و لایه‌های فرهنگی گذشته هستیم تا بدانیم که چگونه از آنها برای ساختن امروز خودمان استفاده کنیم

برای ساختن امروز خودمان استفاده کنیم. از آنها چه باید گرفت و بعد چگونه باید گفت؟ باید بدانیم که فقط دانش گذشته کافی نیست و به‌ویگیری از روش‌های نو برای طرح مباحث گذشته نیز مهم است و از همه مهم‌تر این‌که برداشت درستی از این مباحث داشته باشیم، به‌عنوان نمونه اگر حضرت امام (ره) گفت ما هر چه داریم از محرم و صفر است، نه یک تعارف، نه میالفا و نه خدای ناکرده یک فریب بود، بلکه واقعیت این است که هر جامعه‌ای با عاشورا زیست کند، همیشه عزیز خواهد ماند. ما هشت سال با عاشورا زندگی کردیم و حتی یک وجب از خاک پاک این کشور را به دشمنی که حمله و تجاوز به ایران را با ادعای فتح سه‌روزه تهران آغاز کرده بود ندادیم. دلیل چنین عزت و اقتداری همان پیوستگی ما با عاشورا و سیدالشهدا(ع) است. من چند سال است که موضوعی با عنوان «خانه و خانواده آرمانی در نگاه امام حسین (ع)» را طرح و دنبال می‌کنم. امام حسین (ع) ۱۹ هزار و ۹۹۹ روز در این دنیا با افتخار و سربلندی زندگی کرد و ما تنها یک روز آن یعنی عاشورا و آن هم لحظه کنار گودال قتلگاه را می‌شناسیم و آن را ونحه و فریاد می‌کنیم. چرا هیچ‌گاه نیامیدیم و یگویم رابطه امام با دیگران، با دوست و دشمن و خانواده‌اش چگونه بود؟ اساسا هیچ‌گاه تاریخ را خوب برای بچه‌ها نگفته‌ایم. من از همین جاد عوت می‌کنم که در آموزش و پرورش یک گروه هوشمند و فهیم در این زمینه ایجاد شود که در این خصوص فکر و این ماده درسی تاریخ را در کتاب‌های درسی توزیع کنند تا آن پیوستگی لازم در این زمینه‌ها در کتاب‌های درسی حفظ شود. اساسا در این خصوص باید نگاه ما قرآنی باشد تا موثر واقع شود. زیرا قرآن هم تاریخ می‌گوید، اما مثلاً وقتی در پایان سوره یوسف می‌رسد، یادآوری می‌کند که من این قصه و داستان و ماجرای تاریخی را برای عبرت شما گفتم.



برای دیدن ویدئو کامل این گفت‌وگو، سواژکدر اسکن کنید



برای دیدن متن کامل این گفت‌وگو، سواژکدر اسکن کنید

قاب

چاپ خاطرات سردار جانباز سرانديب

کتاب چرخ‌ها و جاده‌ها نوشته آذر خراعی سرچشمه به‌تازگی توسط نشر شاهد منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب به زندگی و خاطرات سردار جانباز مهرداد سرانديب از دوران پیش از انقلاب، روزهای انقلاب و دوران دفاع مقدس می‌پردازد. مهرداد سرانديب در این کتاب از خانواده‌اش، دوران کودکی و نوجوانی در شهر آبادان روایت می‌کند و وارد جریان انقلاب، پیوستن به بسیج و سپاه تهران و حوادث و رویدادهای آن زمان می‌شود. در فصول پایانی کتاب هم به رتبه به شهر قم و پیوستن به لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب (ع) شرکت در عملیات‌های آن لشکر و شیوه جانباز شدن وی پرداخته می‌شود. این کتاب با ۳۳۹ صفحه و قیمت ۱۹۰ هزار تومان منتشر شده است.

درگذشت پیشکسوت قرآنی کشور

حاج ولی... پوراحمدی، جانباز قاری قرآن کریم و از استادان و پیشکسوتان جامعه قرآنی به جمع یاران شهیدش پیوست.

حاج ولی... پورا احمدی که روز ۲۲ فروردین مصادف با روز عید فطر به جمع یاران شهیدش پیوست، روز پنجشنبه ۲۳ فروردین از مقابل مسجد حضرت زینب (س) در تهران، خیابان ابودر، تشییع و پیکر او به خاک سپرده شد. پورا احمدی، معروف به حاج ولی متولد ۱۳۳۷ بود و با وجود این‌که در عملیات بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) پای راست خود را از دست داد اما تا پایان جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور داشت. جلسات آموزش قرآن مرحوم حاج ولی... پورا احمدی در مساجد ابودر، امام حسن عسکری (ع) و آستان امامزاده حسن (ع) به صورت هفتگی با حضور جوانان منطقه ۱۷ شهر تهران برپا می‌شد.

همچنین او ضمن آموزش قرآن سال‌ها به آموزش و تمرین فوتسال به قرآن آموزان کلاشش در مجموعه ورزشی دارالشهدا می‌پرداخت. مرحوم پورا احمدی طی سال گذشته و در رشته قرأت تحقیق مسابقات قرآن کریم بنیاد شهید و امور ایثارگران رتبه اول را دریافت کرده بود.

یادمان

درگذشت پیشکسوت قرآنی کشور



محمود مدبری درگذشت

محمود مدبری، استاد بازنشسته دانشگاه باهنر کرمان، لغت‌پژوه و مصحح متون نظم و نثر فارسی، بر اثر بیماری سرطان از دنیا رفت.

مدبری زاده ۱۵ شهریور ۱۳۲۵ شمسی در تهران بود و سال ۱۳۶۴ به کرمان کوچ و کار تدریس در دانشگاه کرمان را آغاز کرد و در ۱۳۹۶ بازنشسته شد. «شاعران بی‌دیوان»، «فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع»، «تصحیح «ترجمه قرآن ماهان»، «دیوان نجیب گلیابگانی»، «دیوان عماد فقیه کرمانی»، «غازان نامه منظوم»، «تراجم الاعاجم» و «سرسمه سلیمانی» و «فرهنگ عجایب اللغة» از جمله آثار چاپ شده اوست.

مدبری به مبحث رباعی علاقه ویژه‌ای داشت و در سال‌های دور، رباعیات منسوب به خواجه عبدا... انصاری، جامی و شاه نعمت... ولی را گردآوری و چاپ کرد. «اشعار شیخ نجم‌الدین رازی» نیز از آثار اولیه اوست. این چهره فرهنگی چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ بر اثر بیماری سرطان از دنیا رفت.

